

دوران گذار روابط بین الملل در جهان پساغربی

محمود فاضلی

به اعتقاد نویسندگان کتاب «دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی»، دوران گذار دوره تعامل یا تقابل دو سنت هم‌زمان است؛ از یک سو، سنت جهانی شدن است که با قرابت‌های مختلف بعضاً از یک آرمان شهر سخن می‌راند و از سوی دیگر، سنت وستفالیایی است که خواهان تداوم وضع موجود و سیاست قدرت‌محور است. امروزه این دو روند رقیب و هم‌زمان، بخشی از واقعیت دوران گذار را تشکیل داده و به نظر می‌رسد که آینده دوران گذار نیز در مواجهه میان این دو سنت مشخص می‌شود. سیاست جهانی تاریخ پرنوسان و متغیری داشته است. در این رهگذر، پایان جنگ سرد نیز به سهم خود همه ابعاد و حوزه‌های روابط بین‌الملل را با تحول ژرف، همه‌جانبه و اساسی روبه‌رو ساخته و تغییر را به وجه دایمی و بارز دوران گذار تبدیل کرده است. در این دوران، جهان ایستای سنتی جای خود را به جهان پویای رخدادها، چالش‌ها، ابهام‌ها و روندهای ژرف و شتابان واگذار کرده است. طبیعت سیال این دوران سبب شده است تا هر موضوع یا منطفقه‌ای از امکان بالقوه تبدیل شدن به مرکز تهدید و کانون توجه بر خوردار شود. موضوعات و چالش‌های فراوری دولت‌ها ماهیت جهانی پیدا کرده‌اند و کنشگران نمی‌توانند بدون توجه به دیدگاه‌ها و منافع و رفتارهای سایر کنشگران به مواجهه با این چالش‌ها بپردازند.

یکی از مختصات این دوران، افزایش نیروهای مرکز‌گریز در نظام بین‌الملل است که در تړنو آن به موازات قدرت‌نمایی کنشگران غیردولتی، ظهور مراکز چندگانه قدرت نیز شتاب یافته است که حاصل آن تغییر تدریجی شکل و ماهیت نظام بین‌الملل است؛ هرچند که دولت‌ها و واحدهای سیاسی هنوز کنشگران اصلی سیاست جهانی محسوب می‌شوند. همچنین با توجه به تغییر ماهیت و مبانی قدرت و تکثر منابع آن، علاوه‌بر تداوم اهمیت قدرت نظامی و قدرت اقتصادی، انواع قدرت‌های دیگر به ویژه «قدرت معنایی» هم اهمیت یافته و به راهنمای فهم فضای نوظهور سیاست بین‌الملل و پیشبر داهداف و منافع کشورها در جهان تبدیل شده‌اند.

به نظر می‌رسد دوران گذار واقعی تازه آغاز شده و این دوران تفاوت‌های ماهوی و کیفی با روزگار گذشته یافته است. به این اعتبار پایان جنگ سرد نه تنها نشانه «پایان تاریخ» نبود، بلکه دوران گذار نماد بارز «آغاز تاریخ» دیگری است که هنوز فرجام آن مشخص نیست. البته هر دوره‌ای با وجود برخی تشابهات و اشتراکات با گذشته، مشخصه‌های خاص خود را دارد و جهان آینده نیز متمایز از جهان آشنای دیروز خواهد بود. این گزاره مفهومی با وجود آنکه بدیهی و طبیعی می‌نماید، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا سبب می‌شود تا به موازات توجه به مشخصه‌های نظام بین‌الملل گذشته و حال، آثار آنها را بر نظام بین‌الملل آینده به نحو واقع‌بینانه ارزیابی کرده و از تحلیل و پیش‌بینی آینده از منظر گذشته و حال اجتناب ورزیم. تغییرات این دوران دیگر تنها در چارچوب

دغدغه لحظه حال



کاوه رهنما

در میان دانش‌آموختگان دهه ۱۳۷۰ فلسفه دانشگاه تهران محمد منصور هاشمی، ویژی‌گی‌های متمایزی دارد. مثل بسیاری از هم‌سلالتش خود را منحصراً به فلسفه‌ا‌ی سخنی که در دانشگاه‌های ایران آموخته می‌شود، نکرده است و به حوزه‌های متنوع ادبی و فرهنگی تعلق خاطر دارد. همچنین که علایق روشنفکری آشکار و عمیقی دارد. در کنار این دو خصوصیت پندیده، باید از ارتباط مستمر و جدی‌اش با مطبوعات و در نتیجه عرصه عمومی یاد کرد. قلم روان و شیوا در عین نثر محکم و استوار دیگر ویژگی این نویسنده پژوهشگر است که سال‌هاست از کنج خلوت بنیاد دایره المعارف اسلامی (دانشنامه جهان اسلام) در حوزه‌های رویدادهای عرصه‌های فرهنگی را رصد می‌کند و به فراخور نسبت به آنها واکنش نشان می‌دهد. گواه سخن نیز، مجموعه‌آثار برپار و متنوع اوست که در آن هم کتاب‌هایی وزین و پژوهشی در حوزه‌های تخصصی فلسفه و کلام می‌توان یافت، همچون «میسوررت در فلسفه ملامصدرا و هگل» و «چند میحث کلامی در تاریخ اندیشه اسلامی» و هم کتاب‌هایی پر مخاطب و عمومی در زمینه روشنفکری معاصر ایرانی مثل «هویت‌اندیشان و میراث فکری احمد فردید» و «دین‌اندیشان متجدد: روشنفکری دینی از شریعتی» البته چنان که آمد، باید پیش‌تر به علائق ادبی و ذوق نویسندگی هاشمی اشاره کرد، به خصوص که نخستین کتاب او تحلیلی از آثار و افکار صادق هدایت است و تاکنون چند کتاب و مجموعه داستانی نیز مثل «حقیقه در خلسه» و «رنگ مقتم» منتشر شده است. این اشعار هفتصل به علائق متنوع و آثار کثیر این نویسنده اهل فلسفه، بهترین درجه برای ورود به مفصل‌ترین و در عین حال متنوع‌ترین کتاب اوست: «اندیشه‌هایی برای اکنون» که مجموعه‌ای است از مقاله‌ها، یادداشت‌ها و گفت‌وگوهای او در یک دهه اخیر در زمینه‌های گوناگون فلسفه، روشنفکری ادبیات، نقاشی، تئاتر، سینما و… روشن است که نقطه اتصال مطالب این مجموعه متنوع «پیوند ریشه‌دار دغدغه‌های نویسنده با زمینه شکل‌گیری آنها یعنی فرهنگ و تاریخ و سرزمینی است که در آن زیسته‌است» یعنی تعهدی که نویسنده فراسوی تخصص یا حرفه‌اش نسبت به آنچه

نظام بین‌الملل وستفالیایی سنتی صورت نمی‌پذیرد. این تغییرات تنها ناشی از تحول در نظام بین‌الملل و پایان یک صورت‌بندی یعنی آرایش دوقطبی و آغاز تکوین صورت‌بندی دیگری نیستند، بلکه دامنه و عمق تحولات بسیار فراتر از نظام بین‌الملل بوده و همه عرصه‌های تاریخ معاصر را در برمی‌گیرد. به همین دلیل نمی‌توان در قالب مقولات و مفاهیم آشنا و مانوس به توصیف آن پرداخت. تحلیل‌های تک‌ساختی به برداشت‌های نادرست از روندها انجامیده و مانع از سیاست‌گذاری واقع‌بینانه برای اثرگذاری بر روندهای موجود می‌شود. تغییرات این دوران تنها آرایش و صورت‌بندی شکلی نظام بین‌المللی را در بر نمی‌گیرد بلکه حوزه گفتمانی و هنجاری نیز یکی از ابعاد اصلی آن را تشکیل می‌دهد. روندهای عینی دوران گذار در سال‌های گذشته نشان داد که پایان نزاع‌های ایدئولوژیک در سیاست جهانی به معنای پایان اندیشه و آغاز یکسان‌سازی فرهنگی جهان نیست؛ بلکه به عکس، چرخش معنایی در روابط بین‌الملل زمینه‌را برای رقابت‌های معنایی، گفتمانی و هنجاری بین کنشگران بیش از پیش فراهم آورده است. روند جابه‌جایی قدرت تنها گزارش توصیفی از یک واقعیت مستقل نیست، بلکه به موازات توصیف، به روندها و واقعیت‌های در حال ظهور هم شکل می‌دهد. در این معنا، میان تصویر و واقعیت یا نظریه و واقعیت نسبت معناداری به چشم می‌خورد. روایت‌ها و تصویرهای موجود از نظم بین‌الملل هر یک ماهیت هنجاری متفاوتی داشته و قرانتی متمایز از روندهای موجود و چشم‌انداز نظام بین‌الملل ارایه کرده و به سهم خود بر عرصه گفتمان‌سازی و سیاست‌گذاری تاثیر نهاده‌اند. واقعیت این است که امروزه تغییرات دوران گذار تنها به جغرافیایی جهان غرب محدود نیست. بسیاری از تحولات دوران‌های گذار پیشین عمدتاً در جغرافیایی اروپایی و غربی صورت می‌پذیرفت و مناطق و جهان‌های غیر غربی هم عمدتاً یا موضوع یا میدان این تحولات محسوب می‌شدند؛ اما در این دوران جغرافیا هم مانند تاریخ معنای جهانی پیدا کرده و از تومیسر اروپامحور غرب‌محور فاصله گرفته است. جهان غیر غربی در مسیر قدرت‌یابی در دوران گذار متناسب با منافع و اهداف خود می‌اندیشد. بدیهی است تفاوت در اندیشه و منافع، آثار و پیامدهای متفاوتی بر این دوران بر جای خواهد نهاد. از این رو، نظام بین‌الملل به میدان تعامل و همکاری و تقابل و منازعه و کنش و واکنش کنشگران غربی و غیر غربی تبدیل شده‌است.



- دوران گذار روابط بین‌الملل در جهان پساغربی
- جواد ظریف، محمد کاظم سجادی‌پور، عبدالله مولایی
- اداره نشر وزارت خارجه
- ۱۰۰۰ نسخه
- ۲۲ هزار تومان

اهورا جهانبان

کتاب «ده روز با داعش» اثر تحقیقی یورگن تودنهورف روزنامه‌نگار آلمانی است که لایه‌های عمیق‌تری از داعش را به طالبان شناخت داعش نشان می‌دهد. این کتاب نتیجه تحقیقات میدانی و اینترنتی تودنهورف در یک دوره تقریباً هفت ساله (از ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۴) است. تودنهورف برای شناخت بنیادگرایان مسلمان به عراق رفته بود که کم‌کم گروه داعش متولد شد و او مطالعاتش را روی داعش متمرکز کرد. نگارش این کتاب در زمانی به پایان رسیده است که داعش هنوز در

به بهانه انتشار آخرین اثر داریوش شایگان

موسیو پروست؛ اینشتین روان‌شناسی

محسن آزموده

یک روز سرد زمستانی، نه مثل این روزهای غبارآلود و کثیف تهران البته، مارسل لملول و مغموم به خانه بازگشت، مادر دید که سردست است. «فرستاد یکی از آن شیرینی‌های کوچک و برف‌کرده‌ای بیابورند که پوبیت‌مادلن، نامیده می‌شوند.» مارسل دلنگت از روز غمناک و چشم‌انداز فرآی اندوهار، قاشقی از چای را که تک‌های از مادلن در آن خیس‌انده بود، بی‌اراده به دهان برد: «هم‌مان آنی که جرعه آمیخته با خرده‌های شیرینی به دهنم رسید یکم خوردم، حواسم بی حالت شگرفی رفت که در درونم انگیزته بود. لذتی دل‌انگیز، لذتی مجرد، بی‌هیچ شناختی از دلیلش، مرا فراگرفت. یک‌بار هم مرا از جوهری گرانبها انباشت و کشمکش‌های زندگی را برابرم بی‌اهمیت، فاجعه‌هایی را بی‌زیان و گذرای‌اش را وا‌هی کرده.» بدینسان است که پروست راوی در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته، نگاه‌ها خاطره را یاز می‌یابد. دنیایی سرشار از تصاویر و رنگ‌ها پس از فنجان چای بیسرون می‌جهد! «ناگهسان خاطره سر رسید. آن مرزه از آن مادلنی بود که صبح یکشنبه هنگامی که به‌اتاق عمه لئونی می‌رفتم تا به‌اصبح‌بخیر بگویم، در چای یا زیزوفون می‌خیساند و به من می‌داد… تا آن رانجشیده‌بودم از دیدنش هیچ‌یادی در من زنده نشده بود…» تجربه «چشیدن مادلن خیسانده در چای» پرآوازه‌ترین مثال از «خاطره غیرارادی» در کل ادبیات مدرن است که همچون خواب، انسان را به درون عالم ناگاه فرامی‌خواند، هزار تویی بی‌پایان که «از قواعدی تبعیت می‌کند که سوای قواعد قلمرو عقل و خردانست.» در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته مارسل پروست (۱۸۷۱-۱۹۲۲م)، کلیات سیر و سلوکی در این قلمرویی عظیم است؛ روشنفکر، سیر اعماق ژرفش تاریک و گنگ است و «خواننده بدون قطب‌نما سرگشته در دل امواج خود را گم می‌کند.» از این‌روست که داریوش شایگان، فیلسوف ایرانی و فرانسه‌شناس نامدار فانوس جادویی زمان را تألیف کرده است، کتابی روان و شیوا و هم‌زمان تحقیقی و روشنگر

سوریه فعال بود و به وضع فلاکت‌بار کنونی درنیفتاده بود. تودنهورف بابت این کتاب و نیز بابت گزارش‌ها و تحلیل‌هایش از شرایط عراق و سوریه، در چشم سیاستمداران آلمانی و کلاد در جهان غرب روزنامه‌نگار چندان محبوب نیست ولی او به نظر خودش کوشیده است تا ریشه‌های تروریسم در جهان اسلام را منصفانه برای افکار عمومی جهان غرب ترسیم کند. برخی از سیاستمداران آلمانی به او لقب «دوست بنشار اسد» را اعطا کرده‌اند ولی تودنهورف خودش را روزنامه‌نگاری می‌داند که در طریق کشف حقیقت است و در این راه به ندای وجدانش گوش داده است. او هر جنگی را غیر

منصفانه می‌داند و در هیچ جنگی، یکی از طرفین را کاملاً بری از خطا و دیگری را کاملاً خطاکار نمی‌داند.

تولد داعش

تودنهورف صریحاً می‌گوید «داعش فرزند جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی است.» وی در فصل اول کتابش، با گزارشی موجز و روشن، نشان می‌دهد که داعش چگونه از عدم به وجود آمد. نخستین دیدار تودنهورف با یکی از جنگجویان داعش در اوت ۲۰۰۷ رقم می‌خورد؛ رامی، دانشجوی ۲۷ ساله رشته تاریخ، به این دلیل که نیروهای امریکایی مادرش را در برابر چشمان او به ضرب گلوله کشته بودند، به تروریست‌ها پیوسته بود.

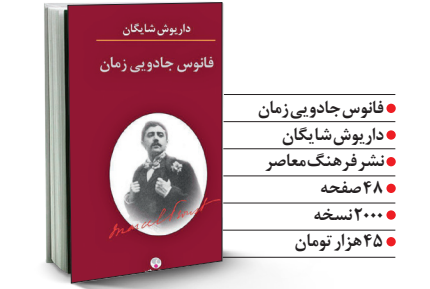
رامی از تودنهورفی می‌گوید «شما اگر جای من بودید چه می‌کردید؟» و تودنهورف به خواننده کتابش می‌گوید: «اتخاذ مواضع شرافتمدانه درباره مقاومت و تروریسم، وقتی آدم خودش در رفاه و صلح کل زندگی می‌کند، کار ساده‌ای است. آیا به قدر کافی در این مساله تامل کرده‌ایم که در درون کسی که گم‌ربند انفجاری به خودش می‌بندد و به هوامی‌رود، پیش از این اقدام چه اتفاقی افتاده است؟» و رامی به تودنهورفی می‌گوید: اگر شماها بساط حمله و تحقیرتان را برچینید و بس کنید، اگر شما از سرزمین‌های ما بیسرون بروید، آن وقت القاعده هم خودبه‌خود گورش را گم می‌کند.»

داریوش شایگان



هاشمی می‌گوید و داریوش شایگان بر آن صحنه می‌گذارد، باید کام‌بلند و موثری تلقی کرد، در جهت آشتی دادن روشنفکری ایرانی با ادبیات جدید (Lebenswelt) مدرن را با همه پستی و بلندی‌هایش عیان می‌سازد و بی‌تردید شناخت‌دنیای زشت و زیبای نو و انسانی که قهرمان و ضدقهرمان آن است، با همه احساسات و عواطف و هیجاناتش، با همه تردیدها و هراس‌هایش، بدون غور کردن در آن غیرممکن است. از این منظر تلاش فیلسوف-ادیب ایرانی-جهانی در ادامه اثر پیشینش جنون هشجاری (درباره شارل بودلر) برای آشنا ساختن مخاطب ایرانی با ادبیات جدید و رمان ادبیاتی انکارناپذیر دارد و بلکه سخت ستایش‌برانگیز و قابل‌احترام است.

آگاهی گسترده و عمیق فرانسور شایگان از حوزه‌های متنوعی چون فلسفه، ادبیات، روانکاو، تاریخ و عرفان و تسلط شگفت‌انگیز او به زبان و ادبیات فرانسه در کنار نثر محکم و استوار فارسی خواننده را نه فقط با زوایایی پنهان و مستور شاهکار پروست که با برخی از مهم‌ترین و اثرگذارترین جریان‌های فکری و ادبی معاصر آشنا می‌کند، شایگان در این کتاب تنها به تاثیرپذیری و پس از خواندن مجلد نخست، مطالعه باقی کتاب را به آینده موکول می‌کند. این‌همه نشان می‌دهد که در جست‌وجوی زمان از دست‌رفته زمانی عادی نیست. حاصل لاقال ۱۴ سال «زنوا و سکوت» مارسل پروست است و عصاره و چکیده واقعی جان او. بی‌دلیل نیست که چندماهه بعد از عصر روزی از اوایل سال ۱۹۲۲ که به خدمتکار و مونس وفادارش، اعلام کرد که کلمه «پایان» را نوشسته، در هجدهم نوامبر چشم از جهان فروست. برای نوشتن کتاب گبرایی محافل اشرافی و وسوسه مقاومت‌ناپذیر حشر و نشر با شخصیت‌های پراوازه سالن‌ها کنار گذاشت. پروست ثروت هنگفتی به ارث برده بود و می‌توانست سالیان سال زندگی خوب و خوشی را سیرسی کند. اما چونان بودایی مدرن، سیر و سلوکی در خویشتن خویش را برگزید و خود را در خانه حبس کرد، تا در هزارتوهای زمان و زبان، گوهر جوادگانی را به مدد هنر بیابد. کتاب فانوس جادویی زمان، نوشته درخشان داریوش شایگان مخاطب را مسیر این سیر و سلوک را راهنمایی و هدایت می‌کند. در



- فانوس جادویی زمان
- داریوش شایگان
- نشر فرهنگ معاصر
- ۴۸ صفحه
- ۲۰۰۰ نسخه
- ۴۵ هزار تومان